

در بزرگی ها و نجاست و سخنان ابا ابراهیم (ع) :

۷۷، ۲، ۷ + ۷۵، ۲، ۷

→ ایشان هم از مادر و هم از طرف پدر ناطق بود.

مادرشون به زن با کرامت و با شرافتی بود.

مسئله مادر حلی میهنه : از چه سوال می کنی نماز رو کجا یاد گرفتند؟ خانه مدرسه مسجد؟

اکثرشون مگن «خانه» - تو خونه هر پرستیم از کی یاد گرفتی؟ اکثرأ مگن «مادر»

از افراد تارک الصلوات هر پرستی چرا نماز نمی خونی؟ مگن «توضیح من کسی نماز نمی خونه!»

مادر، جایگاه مهمی داره : تربیت یک دختر = تربیت چند پسر

لذا مادر اخلاقیات زیاد در منزل هر سینه.

→ مگن : اگر خواستید جامعه ما بد بشه، دخترها رو فاسد کنید...

امیرالمؤمنین وقتی معیاد ازدواج کنه، میگه زن شجاع برام پیدا کنید

مکنی از فرزندان حضرت علی (ع) (غیر از حسن و ابان و القاسم) تو هر چه و صبغ هر ترسد

شرح معنی البلاغ و ابن ابی عمیر

حضرت با او گفتند : «أدرکک عروق من أضعک» تربیت از مادر تیره

ع. ۱۸، ص ۲۳

مادران امان ماحم افراد دارسته ابر بودند - طالب این مادر شش تا نون کنیز بوده
که تو از دراج مال و جاگاه خانواده هم نیست (باباش چه کاره هست...)

گاه زنی گننام براتون نسل خوبی میاره، گاه زنی ششور نسل خونوری

تران میگ « وَاَلَا مَثُ مُؤْمِنَةٍ حَسْبُ مِنْ ... » بقره / ۲۲۱

کنیز باش و امان داشته باش بهتر از اینی که آزاد باش و ...

دختر باکی که بی چهارزبان هزار برابر شرافت داره به دختری که جهنمیه تکلیف و کمالا صدیف

لهذا انتخاب همسر ضعیف وقت می خاد ...

مادر امام باقر (ع) نسبه بود کنار دیوار، دید دیوار داره کعبه می کشه، گفت

« قَالَتْ بِيَدِهَا، لَا وَحَقِّ الْمُصْطَفَى مَا أُذِنَ لِلَّهِ لَكُ فِي السَّقُوطِ فَبَقِيَ مَقْلَعًا ... »

بعد امام سجاد (ع) برای اینکه دیوار روی سر همش خراب نشد « فَتَصَدَّقُ أَبِي عَنْهَا بِمَاءِ دِيَارِ »

زن ستون سینه خدا آنقدر آب بود داشته باش که در طبیعت اثر گذاره

ارتباط با خدا = اثر گذاری در طبیعت ، اما گفتمی آدمی رو با کلمه سپاه گریه کنان سیزدن کرد
که فاطمه اما از حم دوره امام، اما س علی محمدانی = محال

۲
انام باقر (۴) متولد شد. لسیان در کربلا بودند منتهی عی سالم بودند.

قَتَلَ حَدِيَّ الْحَسَنِ (۴) وَ لِيْ اَرْبَعِ بَنِيْنَ

مرفوعه

که و اینی لا ذکر معقله (جای قتل او را یاد مکت)

و ما نالنا فی ذلك الوقت (حوادث تلف آن وقت یاد م)

[بچه های کوچک فرب می محمد - نگید فلانی بچه است نمی فهمه .]
بعمبر با بچه ها بازی می کرد، اینها در روی درش می گرفت اینها بزرگ می شدند یاد شون می روند

جابر بن عبد الله انصاری : خیز آفرین اهل باب بعمبر (ها) بود.

انام

روزی با صبر از یزید : جابر! در سبیل من کسی خواهد آمد به نام «محمد بن علی»

سلام بزرگتر بود

تو او را خواهی دید، اگر ملاقاتش کردی «سلام منو بچس برسون»

این سیر مرد روزی ۲ دفعه می اورد در ضربه حضرت و به اسبان سلام می کرد **کنید**

به پیام داشت، وقتی جو عوفی می است (به خاطر کربلا و اسارتها) شما راه حق روزن سال

* امام باقر (ع) بنیانگذار حوزه علمیه شد

به فرصت خوبی خدا سر راهسویان قرار داد و ایشان توسط بهترین استادان روزگار

علمی این اساطیر که ۵ سال حکومت با او هم گذارها...

از صند خروان، حمل، صغیر، قاطین، مارتن...

که به بارز دتوی گوش خودش، یا اشباح الرجال

بعد از شهادت با حلیه فاتحه برایش نگرفتند، و سال مرتب

دین مبلغ مفاصت

امام حسن مجتبی تنها کسی بود از دین آل عباس که شیع شد...

امام سجاد (ع) که ممنوع بود حرف بزند، گاهی زینت می گفتند، ایشان

حرف هار و مستقل می کردند - با رابط بود تا حکومت عباسی

بها می مردم ذره ذره «مرگ بر نبی اتم» رو شروع کردند *که فطیحه های حضرت زینت (کوفه) نام*

تظام نبی اتم متزلزل شد، نظام که فروریخت «نبی عباس» او را کار آمد.

خواست مردم «مرگ بر نبی عباس» نگویند، کمی اتم را آزاد گذاشت، تا اهل بیت آزاد شدند

حوزه علمیه تاسیس شد. (امام باقر دام صادق) مذهب جعفری

اسیان را با قرص گویند زیرا «تقر یعنی شکافتن» که نوک هوا پهاقصار در شکافتن علم او بریزم کردند در شکافتند. «باقر العلوم»

عبادتِ اُمّ باقر (ع) :

شخصی می که روزی اُمّ را دیدیم به حج می رفتند تا به مسجد الحرام رسیدند به نگاه کردند و گفتند که این کعبه است یا نه؟ گفتیم: آما! بواش... بواش، آما فرمودند چه شده؟ گفتیم: شما دارید داد می زنید و گریه می کنید! مردم نگاه می کنند!

فرمود: فَبِ نَظَرٍ نَظَرْتُمْ، من میخوام با خدا مناجات کنم. بعضی فکر می کنند «گریه کردن عیب» - بخیر، گریه کردن کماله داشتن است که نشانه سگدلیه «گریه کردن افتخاره».

چند چیز خوب، آما از خودتون بپندارید: مثل گریه.

کار و فعالیتِ اُمّ (ع) :

اسون بن بعت اهل بیت درست تربودند، گریه چاق بودند

اوزی در حال بیل زدن به شخصه اومد (اما رو دست بندازه گفت ،
 اما خجالت نمی کشی چسبیدی به دنیا ، اگر غزرا ایل الان برس چه می کنی ؟
 اما فرموده خود حال می شوم - کار می کنم تا دستم جلوس دیگران دراز نسیم (این کار عبادت من)
 ← سفره پهن سینه هم میان و ربط ...

زهدِ امام : داستان کسی که اومد منزل امام معینی ^(ع) ، اما تم زلفی و سبک دید ...

(از زندگی مردم عکس نگریده ، فیلم نگریم) ^{که قصه ما سنین زیر بام}
 که قصه دار زبول مهدرت یک صلیبی
 قصه مرغ دادن به به طلبه ای ...

^(ع) امام باقر فرمودند ، میفاهید ببینید زاهد کی ؟!

« لا زهد کقصر الاصل » اون کسی که آرزوهای کمتری داره (آرزوهای شخصی)
 زهد ظاهر نیست ، گاهی هم کسی صوفی منظره تا ۲۰ پرسن شام بخوره
 که جایی باشن مجلس معینه تا او را بلند کند بالا بپرن ...

وَالَّذِينَ كَفَرُوا كُفِّرُوا قُلُوبَهُمْ

له فقیراوی نیست که لها باش از روزنه، لقمه اس از روزنه، ماسن نواره...

فقیر کس است که کمبود در درسی دارد.

ممكن به کس وضع مالن خوب باش اما فقیر باش!

ابوذر هم وضع مالی من خوب نبود، هم روشن ضلی قوی بود.
مثال دیگر آیت الله مدرس، وضع خوبی نداشت، اما روح بلندش داشت.

آدم دارم وضعش خوب اما برای ۱۰۰۰۰ تومان دروغ میگه.

آدم دارم تحصیل کرده است اما حاضر نیست به ^{به در مادرش} ^{بهدارم کنه} ^{استادش احترام بگذارد}

((خلاصه اما با تر متجاد معیارها رو عوض کنه، میگه))

اگر میخواهید ببینید فقیر کیم به کفن و کلاهش نگاه کنید.

« لَا مُصِيبَةَ كَأَسْتَهَانَتِكَ بِالذَّنْبِ وَرِضَاكَ بِالْحَالَةِ الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهَا »

مصیبت زده اونی نیست که سپرس مُرده، مادرش مُرده، همسرش...

مصیبت زده اون کسی ست که ضیال صلیت آدم فویب.

نیرگترین مصیبت اونه که گناه برات کوچیک باشه و به حالی که داری راضی باشی.

از کارمون، از شکرمون

از تحصیلمون، از علممون

تو ندیم

از عبادتتون راضی نباشیم. حضرت عباسی زنت بعد از این هم عمره یا رکعت نماز یا توبه

به ایاکون العابدین گفتند در انقیاد خود کوشی می کنند؟ فرمود: دستم خالی

گفتند: شما تیر سقا که دستتون پاره!

فرمود: شما عبادتگاهای علی (ع) رو ندیدید.

نور دیده

به علی گفتند: در انقیاد خود تیرها ازین می کنند فرمود: شما عبادتگاهای با صبر و...

خدا با صبر می گفت انقدر رخصت تو ازین تلخ.